

######

###### **دانشگاه علوم انتظامي**

###### **دانشكده مرزي و انتظامي**

## عنوان :

**بررسي جرايم مهم شهرستان كهگيلويه در سال 1387**

**استاد راهنما:**

**نگارش:**

چكيده :

 مسلماً هر تحقيقي به دنبال هدف خاصي مي‌باشد ما دراين تحقيق به بررسي جرايم شهرستان كهگيلويه در سال 1387 مي‌پردازيم تا بتوانيم براساس آمار موجود و جرايم موجود به دنبال علل و عوامل موجود آورنده آن جرمها باشيم تا از آن جرايم پيشگيري كنيم يا درصورت امكان آنها را كاهش داده و زمينه‌هاي بوجود آورنده آنها را از بين ببريم .

 دراين تحقيق پس از شناسايي جرايم مهم شهرستان به آن جرايم به تفكيك پرداخته تا بتوانيم آن جرايم و مشكلات را در سطح شهرستان كاهش داده تا امنيت لازم را كه از نيازهاي لازم براي انسان است در تمام زمينه‌هاي اقتصادي - سياسي - طبيعي خصوصاً درزمينه اجتماعي مي‌باشد بوجد بياوريم .

**كليات**

آمار جرايم شاخص و معياري است كه سلامت يا بيمار بودن بخشهايي از جامعه و حدود و ميزان آن را نشان ميدهد . صحت و دقت آمار ناهنجاري و آسيب‌هاي اجتماعي ودسترسي محققان و پژوهشگران جامعه به آنها موجب اتقان و استحكام تجزيه وتحليل‌ها و بررسي‌ها و برآوردهاي اجتماعي مي شود . با مطالعه علمي و درست روند كاهش وافزايش يا جابه جايي جرايم، مي‌توان پاره‌‌اي ازمسائل و مشكلات آينده جامعه را پيش‌بيني كرد و امكان برنامه‌ريزي مناسب و واقعي‌تري را براي مديران جامعه فراهم آورد .

 كنترل رسمي و محدود كردن انتظارات براي حل مشكلات و مسائل جامعه‌ توسط پليس و دستگاه قضايي شايد ساده‌ترين و كوتاه‌ترين راه حل به نظر آيد، ليكن يقيناً موثرترين و كارآمدترين شيوه‌ي مبارزه نخواهد بود .راه اصلي مبارزه با جرايم اجتماعي يافتن ريشه‌ها و علت‌هاست و دستگيري و نتيجه مجرم برخورد با معلول است اگر چه در پاره‌اي از موارد، ناگزير از پذيرش آن هستيم .

نقض در فرايند اجتماعي شدن افراد و از طريق يادگيري اجتماعي ،‌يك انسان بالقوه مفيدو كارآمد را در تبديل به فردي مزاحم و سربار جامعه ميكند راه حل مشكل نيزتمركز اقدامات تربيتي و آموزشي بر روي نقطه‌هاي مشكل دار وانحرافي است در هر جامعه به هر اندازه كه دست اندركاران امرتعليم و تربيت و جامعه پذير كردن افراد و وظايف خود را به درستي انجام دهند، افراد بزهكار كمتري به وجود خواهند آمد .

 فرد خلافكار به اين دليل كه با اختيار (انسان مختار ) وارد مسيرخطا و انحراف شده است مجرم محسوب مي شود . اما از اين جهت كه به تنهايي امكان بازسازي و اصلاح خويش را ندارد و به كمك ديگران نيازمند است بيمار تلقي مي شود .

 زندگي آدمي را به يك معنا مي توان نوعي مبارزه و درگيري دانست، مبارزه‌اي كه ابعاد و عرصه‌هاي متعدد و متفاوتي دارد دو بعدي بودن اين مبارزه ،‌معلول عوامل و مولفه‌هاي متنوع تشكيل دهنده حيات بشري است . در اين پهنه گسترده و فراخ‌ دامن، طبيعي است كه انسان از يك طرف نيازمند طرح و تدبيري سزاوار و منسجم براي حال، و گذر به آينده‌اي معلوم و روشن است و از طرف ديگر رفع موانع و حل مشكلات است دراين جهد و دل مشغولي دووجهي ،طبعاً مشكلاتي پيش خواهد آمد كه شايد در وهله اول راه آدمي در مقابلشان احساس ضعف نمايند . در اينجاست كه اگر تدبير عقل با حسن مسئوليت توام گردد رفع مانع و حل مساله ممكن مي‌گردد اين البته امريست كه تمرين و ورزيدگي مي‌خواهد و نيز پيدايست كه ورزيدگي و آمادگي، از آداب انكار ناپذير است .